

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران – توفان

۲۸ جنوری ۲۰۱۳

قاتلان پاتریس لومومبا قهرمان افریقا را محاکمه کنید

در دسمبر امسال با اعلام جرم فرزند پاتریس لومومبا به ضد مقامات عالی‌رتبه بلژیکی که در قتل پدرش دست داشته اند، حماسه مبارزه این قهرمان افریقا زنده شد.

لومومبا در جلب توده های مردم معجزه می کرد. بلژیکیها به او "جادوگر کبیر" لقب داده بودند.

امریکائیها و بلژیکیها بر این عقیده بودند که این "مردیکه" سیاه پوست را با پول و زن می خردند و با مقام و چیزهای دیگر رام خواهند کرد.

امریکائیها و بلژیکیها بر این تصور بودند که این سیاه "کثیف و هرزه" را طوری شکل می دهند تا مانند سایر گرگهای هوادار آنها زوزه بکشد. آنها به منابع بزرگ و عظیم سرزمین کنگو نیاز داشتند. ثروتهای کنگو در افریقا بی نظیر است. بهترین الماس صنعتی جهان متعلق به کنگوست. در کنار آن معادن عظیم طلا، کبالت، مس، اورانیوم، قلع، منگنز، روی، ذغال سنگ، کائوچو، پنبه، چوب جنگلهای نادر و... قرار دارد. استعمار ممکن نیست از این ثروت رایگان دست بردارد. وقتی استعمارگران به استقلال کنگو در نتیجه مبارزه مردم آن تن در دادند، تصور می کردند می توانند این سرزمین را به راحتی به نیمه مستعمره خویش بدل کنند و به چپاول خود در شکل استعمار نوین و بی دردسر ادامه دهند. ولی آنها در محاسبات خویش با شکست روبه رو شدند. در آنجا بود که "مبشران حقوق بشر" تصمیم به قتل لومومبا قهرمان آزادی افریقا گرفتند. بر اساس اسناد منتشر شده، سند قتل پاتریس لومومبا را رئیس جمهور امریکا آقای داویت آیزنهاور شخصاً امضاء کرد.

در زیر، این سخنرانی تاریخی پاتریس لومومبا رئیس جمهور قانونی کنگو را می خوانید. وی در یک انتخابات دموکراتیک به این سمت انتخاب شده بود و به خود جرأت داد در مقابل پادشاه بلژیک، بودوئین اول، که ۸۰ سال کشور کنگو را به عنوان ملک شخصی خویش اداره می کرد و در آنجا به قتل و آزار و شکنجه سیاهان می پرداخت، ایستادگی کند و از شرافت مردم کنگو به دفاع برخیزد.

پادشاه بلژیک بی شرمانه در زمان به رسمیت شناختن استقلال کنگو در مقابل هیأت نمایندگی مردمان کنگو مدعی شد که وضعیت کنونی کنگو محصول "خدمات تمدن" و "دستاورد های" دوران استعماری است. وی جنایات خود را ستود و از آن به عنوان خدماتی برای تمدن بشریت نام برد. پاتریس لومومبا که نمی توانست این خفت آخرین استعمار بلژیک را بپذیرد، به پاخاست و با نطق تاریخی خویش جهانی را به حرکت در آورد.

این نطق تاریخی فرمان مرگ وی و در واقع وصیتنامه وی نیز بود. امپریالیستهای بلژیک و امریکا توسط سازمانهای جاسوسی خویش و عمال خود فروخته کنگوئی نخست به تجزیه کنگو دست زدند و یاران نیمه راه وی را خریدند و سپس با یاری آنها کنگو را مجدداً به نیمه مستعمره خود بدل کردند که تا به امروز میلیونها نفر را برای دستیابی به معادن زرخیز و بی کران این کشور به قتل رسانده اند. پاتریس لومومبا با دست امپریالیستها و یاری سازمان ملل متحد به دبیرکلی داک هامرشولد سویدنی به قتل رسید و جسدش در اسید حل شد.

ولی امپریالیست امریکا به تنهایی نمی توانست برای سرکوب لومومبا و جنبش آزادیخواهان مردم کنگو به افریقا کلاه خود آبیهای سازمان ملل را که زیر نفوذ امپریالیست امریکا بودند، بفرستد. حضور مستقیم امپریالیستها در افریقا با اعتراضات جهانی روبه رو می شد و به این جهت از در عقب سازمان ملل وارد شدند و قطعنامه ای را علیه خلق کنگو در شورای امنیت با همدستی رویزیونیستهای شوروی به تصویب رساندند. رفقای چینی در آن زمان در اعتراض به این تصمیم استعماری شورویها به رهبری خروشچف در کتاب "مدافعین استعمار نوین" نوشتند: "حالا به بینیم، رهبران حزب کمونیست اتحاد شوروی در مسأله کنگو چه نقشی ایفاء کردند. آنها به جای آن که از مبارزه مسلحانه خلق کنگو علیه استعمار، فعالانه پشتیبانی نمایند با عجله به «همکاری» با امپریالیسم امریکا شتافتند تا «جرقه» کنگو را خاموش کنند.

۱۳ ماه جولای سال ۱۹۶۰ اتحاد شوروی به اتفاق ایالات متحده امریکا به قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد پیرامون اعزام قوای سازمان ملل متحد به کنگو رأی موافق داد و بدین ترتیب به امپریالیسم امریکا که زیر لوای سازمان ملل متحد اقدام به مداخله مسلحانه علیه کنگو نمود، کمک کرد. علاوه بر این اتحاد شوروی همچنین وسائل حمل و نقل خود را در اختیار قوای سازمان ملل متحد گذاشت. ۱۵ ماه جولای خروشچف در تلگرام خود به کاساوبو و لومومبا حتی اعلام داشت که «شورای امنیت سازمان ملل متحد عمل مفیدی انجام داد». سپس مطبوعات اتحاد شوروی به طور خستگی ناپذیر سازمان ملل متحد را تحسین و تمجید کردند که گویا «به دولت جمهوری کنگو در دفاع از استقلال و حق حاکمیت آن کشور کمک کرده است» و اظهار امیدواری کردند که سازمان ملل متحد «تدابیر جدی اتخاذ کند». ۲۱ اگست و ۱۰ سپتمبر دولت اتحاد شوروی بازم دو بار اعلامیه هائی انتشار داده و طی آنها سازمان ملل متحد را که خلق کنگو را سرکوب کرد، با کوشش تمام ستود.

بعداً در سال ۱۹۶۱ رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی گیزینگا را به شرکت در مجلس ملی کنگو که تحت «حمایت» قوای سازمان ملل متحد تشکیل شده بود و شرکت در دولت دست نشانده تشویق نمود. در آنموقع رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی حتی فریبکارانه اعلام داشت که تشکیل مجلس ملی کنگو «حادثه بزرگی در حیات جمهوری جوان است» و «موفقیت نیروی ملی می باشد».

واقعیات به روشنی نشان می دهد که رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی با این سیاست نادرست خود به امپریالیسم امریکا در تجاوز به کنگو کمک بزرگی کرده است. لومومبا به قتل رسید و گیزینگا زندانی شد و بسیاری از میهن پرستان دچار تعقیب و پیگرد گردیدند و مبارزه به خاطر استقلال ملی در کنگو با شکست مواجه شد. راستی مگر رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی ولو اندکی هم شده در این امر حس مسؤولیت نمی کند؟ "

بعد از قتل لومومبا که دنیا را به تکان در آورد رویزیونیستها برای مردم فریبی دانشگاه گپاتریس لومومبا را در مسکو گشودند و از افریقا دانشجو پذیرفتند. این روش روش کمونیستی نبود روش بورژوائی و ضد کمونیستی و همدستی با استعمار محسوب می شد. اشک خروشچف برای لومومبا اشک تمساح بود.

لومومبا در مقابل بودوئن پادشاه بلژیک ایستاد و چنین گفت:

"زنان و مردان کنگو، هم‌زمان عزیز راه استقلال پیروزمند، به شما به نام دولت کنگو درود می‌فرستم. شما همه دوستان من، که خستگی ناپذیر در کنار ما رزمیدید، از شما خواهش می‌کنم، این روز ۳۰ جون ۱۹۶۰ را که شما آن را به صورت پایدار در قلوب خود حک کرده اید، به یک روز برجسته تاریخی بدل کنیم. تاریخی که شما اهمیتش را به فرزندانتان می‌آموزید، به طوریکه آنها نیز فرزندان و نوه هایشان را با این تاریخ درخشان مبارزه برای آزادی آشنا می‌کنند.

هر چند امروز استقلال کنگو را در محیط تفاهم و برابری، با کشور دوستان بلژیک جشن می‌گیریم، مع‌هذا هیچ کنگویی شرافتمند نمی‌تواند فراموش کند که آزادی ما به دنبال یک سلسله مبارزات مداوم به دست آمده است (کف زدن پر شور حضار به جز سفید پوستان). مبارزه ای روزانه، جنگی سوزان و آرمانپرستانه که در آن ما از هیچ گونه تحقیر و آلامی در امان نماندیم و با نثار توان و خون خود آن را ادامه دادیم.

ما به مبارزه خود، به اشکها، آتش و خونی که تا عمق وجودمان نفوذ کرده افتخار می‌کنیم. زیرا که آن مبارزه، مبارزه ای اصیل و عادلانه و ضروری بود تا به برده داری تحقیرآمیز که با خشونت بر ما تحمیل شده بود، پایان دهیم.

در طی این هشت سال رژیم استعماری این سرنوشت ما بود، جراحات ما هنوز تازه اند و هنوز دردآلود تا این که بتوانیم این خاطرات را به فراموشی بسپاریم. در برابر مزد ناچیزی که ما می‌گرفتیم، کار طاقت فرسا و پر رنجی انجام می‌دادیم. ما با این مزد نمی‌توانستیم بر گرسنگی خویش فایز شویم، لباس مناسب بپوشیم و یا مسکن و مأوی قابل سکونت داشته باشیم و مانند همه، بچه های عزیز خود را بزرگ کنیم. ما ناسزاها، هتاکها و کتک های شبانه روزی را، به گناه این که سیاه پوست هستیم، تحمل کردیم. چه کسی فراموش می‌کند که به سیاهان "تو" خطاب می‌کردند. نه از این جهت که احساس صمیمیت با وی داشتند، بلکه از این لحاظ بود که کلمه احترام آمیز "شما" فقط برای خطاب به سفیدپوستان اختصاص داشت.

ما شاهد بودیم که چگونه سرزمین ما به نام قوانین ظاهراً مشروع تقسیم می‌شد که در واقع فقط حق قوی تر را به رسمیت می‌شناخت.

ما شاهد بودیم که قوانین برای سیاه و سفید یکسان نیست، راحتی برای یکی و عذاب غیر انسانی برای دیگری. ما رنج های طاقت فرسای افراد را به گناه داشتن عقاید سیاسی، یا مذهبی، فراموش نکرده ایم و سرنوشت افراد تبعید شده را که مرگ را به آن شکل زندگی ترجیح دادند، از یاد نبرده ایم. ما به یاد داریم که سفیدپوستان در منازل زیبا و با شکوه زندگی می‌کردند و سیاهان در کلبه های محقر و در میان کلبه های فرسوده. سیاهان حق ورود به سینماها، رستورانها و فروشگاه های مخصوص اروپائیان را نداشتند. سیاهپوستان در داخل انبار کشتی ها در زیر پای سفید پوستان و سفیدپوستان در کابین های لوکس کشتی ها مسافرت می‌کردند. کیست که اعدام های دسته جمعی برادران ما را فراموش کند؟ چه کسی زندان های مخوف کسانی را که نمی‌خواستند رژیم ظالمانه را تحمل نمایند از یاد می‌برد؟ .. اکنون که دوران گذشته به پایان رسیده، بیایید با یکدیگر در بنیان گذاری وطن خود شروع به کار کنیم. استقلال کنگو به منزله یک گام مؤثر در راه آزادی همه کشورهای افریقا است (کف زدن شدید حضار سفید پوست).

مائی که از طرف شما مردم انتخاب شده ایم تا سرزمین ارزشمند خویش را رهبری کنیم.

مائی که در پیکر و قلب خود توسط استعمارگران زجر کشیدیم، ندا سر می‌دهیم که این دوران به پایان رسیده است.

جمهوری کنگو تشکیل شده و سرزمین ما در دستهای فرزندانمان قرار دارد.

خواهران و برادران، ما مشترکاً مبارزه جدیدی را آغاز می‌کنیم، مبارزه ای متعالی که سرزمین ما را به صلح، آسایش و اقتدار برساند. ما متفقاً عدالت اجتماعی را برقرار می‌کنیم و تأمین خواهیم کرد که هر کس در مقابل کاری که انجام می‌دهد دستمزد عادلانه ای دریافت دارد. (کف زدن حضار).

ما به دنیا نشان می دهیم که قادر به چه کارهایی خواهیم بود، چنانچه بتوانیم در صلح زندگی کنیم. ما کنگو را به مرکز درخشندگی خورشید تابان در تمام افریقا بدل خواهیم کرد.

ما بر زمینهایمان نظارت خواهیم کرد تا مطمئن شویم که فرزندان ما از آن منفعت می برند. ما قوانین سنتی خود را مجدداً به کار برده و قوانین جدیدی وضع خواهیم کرد که اصیل و عادلانه باشند. ما به سرکوب آزادی عقیده نقطه پایانی می گذاریم و تلاش می کنیم که همه شهروندان ما از حقوق کامل اساسی که در منشور حقوق بشر بازتاب یافته بهره مند شوند (کف زدن حضار).

ما با صلح ناشی از تفنگ و سرنیزه حکومت نخواهیم کرد، بلکه با صلح قلوب و اراده (کف زدن حضار). هموطنان عزیز شما می توانید مطمئن باشید که ما برای تحقق این همه مسایل نه تنها بر نیروی عظیم و ثروت بی کران خود، بلکه با پشتیبانی ممالک خارجی نیز حساب می کنیم. ممالکی که همکاری شان صمیمانه بوده و سعی نکنند فرهنگ دیگری را با هر طبیعتی که می خواهد باشد، بر ما تحمیل کنند. (کف زدن حضار). اعلیحضرت، عالیجنابان، خانمها و آقایان، شهروندان و برادرانم که در نبردید، برادران هم رنگم، این مطالبی بود که می خواستم بیان کنم.

زنده باد استقلال و وحدت افریقا

زنده باد استقلال کنگو"

پادشاه بلژیک که شاهد "گستاخی" یک "سیاه پست" "کثیف و بی تمدن افریقائی" بود با ناراحتی غیر قابل کتمان از غضب برافروخته شد و فرمان به قتل لومومبا داد.

از بعد از این سخنرانی تاریخی سرنوشت لومومبا رقم خورد و دسیسه ها برای برکنار کردن وی آغاز شد. ما ایرانی ها باید بیاموزیم که نه دسیسه های امپریالیسم جدیدند و نه نقابهایی که آنها به چهره می زنند فرق کرده اند. آنها استعمار را می ستایند، آنها سازمان ملل را به عنوان ابزاری برای چپاول نیاز دارند که به تجاوزات آنها روپوش حقوقی بپوشاند، آنها به تجزیه و خرابکاری و قتل و جاسوسی در درون کشورها دست می زنند و میلیونها نفر را می کشند و خود را در سنگر "حقوق بشر" و "تمدن" پنهان می کنند.

لومومبا به قتل رسید سنگی هم برگور وی وجود ندارد. ولی امروز فرزندش صدای افریقا را به گوش جهانیان می رساند زیرا مبارزه تمامی ندارد.

مستخرجی از آخرین نامه ارسالی لومومبا در آستانه قتلش برای همسرش نوشت.

من این کلمات را برای تو بدون این که مطمئن باشم که به دستت می رسند، بدون این که بدانم وقتی آن را می خوانی هنوز زنده هستم می نویسم. در تمام زمان مبارزه برای استقلال میهنم، هرگز لحظه ای تردید نکردم، که امر مقدس ما که من و همزمانم زندگیمان را در راهش هدیه کردیم، نهایتاً به پیروزی می رسد.

لیکن آنچه را که ما برای میهنمان یعنی حق زندگی شرافتمندانه، حیثیت بی خدشه، استقلال بی مانع آرزو می کردیم، آنچه نبود که استعمارگران بلژیکی و متحدان غربی اش می خواستند. آنها از حمایت آگاه یا نا آگاه، با یا بی واسطه مقامات عالیرتبه سازمان ملل متحد که ما به آنها اعتماد کردیم و از آنها تقاضای کمک نمودیم، برخوردار شدند. آنها پاره ای از هموطنان ما را فاسد کردند، برخی را خریدند و تلاش کردند حقایق را دگرگونه جلوه دهند و استقلال ما را لکه دار کنند.

مرده یا زنده و آزاد، یا به دست استعمارگران در اسارت، بحث بر سر شخص من نیست. بحث بر سر کنگو است. بحث بر سر خلق فقیر ماست که استقلالش را به قفسی بدل کرده اند که از بیرون به آن نگاه می کنند.

ما در این مبارزه تنها نیستیم؛ آسیا، آفریقا، ملت های آزاد و مردمی که برای آزادی خود در اکناف جهان می جنگند، در کنار میلیونها هموطنانم که مصمم اند تا یک نفر استعمارگر در کنگو باقی است دست از مبارزه برندارند، باقی خواهند ماند.

می خواهم به فرزندانم که از آنها دورم و شاید دگر باره آنها را نبینم، یادآور شوم که آینده کنگو درخشان است و تحقق این وظیفه مقدس مبنی بر استقرار مجدد استقلال و حاکمیت ملی به عهده آنها و هر کنگوئی دیگر می باشد. زیرا که بدون عدالت هیچ کرامتی وجود ندارد، و بدون استقلال، انسان آزاد وجود نخواهد داشت.

آزار و خشونت، دشنام و شکنجه هرگز نمی تواند من را وادار به درخواست رحم و شفقت کند. من مردن با سربلندی و ایمان فناپذیر و اعتماد کامل به سرنوشت کشورم را، به زندگانی پست و منحرف از اصول مقدس، ترجیح می دهم.

من اطمینان دارم که تاریخ به زودی حقایق را بیان خواهد کرد، ولی نه آن تاریخی که عده ای در بروکسل، واشنگتن، پاریس یا سازمان ملل تدوین نمایند. بلکه تاریخی که فرزندان آزادی به نوشتن آن مشغولند و چگونگی مرگ استعمارگران و جیره خواران آنها را نشان خواهند داد. آفریقا تاریخ خود را خواهد نوشت و این تاریخ، مشحون مجد و افتخار آفریقا، از شمال تا جنوب خواهد بود.

گریه نکن همراه من. من می دانم سرزمینم که این چنین درد می کشد، می داند که چگونه از استقلال و آزادی اش دفاع کند.

زنده باد کنگو، زنده باد آفریقا

پاتریس"

بر گرفته از توفان شماره ۱۵۴ [دی ماه اجدی] ۱۳۹۱، جنوری سال ۲۰۱۲، ارگان مرکزی حزب کارایران

www.toufan.org

صفحه حزب کار ایران (توفان) در شبکه جهانی اینترنت.

toufan@toufan.org

نشانی پست الکترونیک (ایمیل).